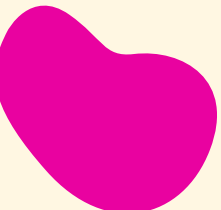




درس
چهاردهم



ایران آباد



آموزگار
خانم روش

درس چهاردهم



کلمات هم معنی	
همفکری - مشورت	رزمندگان - جنگجویان، مبارزان
صنعت - پیشه، حرفه	برخواست - بلند شد
دفاع - نگهداری، مراقبت	ملی - مربوط به همه مردم کشور
باعث - سبب، دلیل	قل خوردن - غلتیدن

کلمات مخالف	
گروهی $\neq$ فردی	گذشته $\neq$ آینده
اصلی $\neq$ فرعی	سر بلند $\neq$ سرافکنده
بالارزش $\neq$ بی ارزش	علاقه $\neq$ تنفر
دشمن $\neq$ دوست	پیش رفت $\neq$ پس رفت
آباد $\neq$ ویران، خراب	خوشحالی $\neq$ ناراحتی
زندگی $\neq$ مرگ	با اهمیت $\neq$ بی اهمیت



???

ب: کلمه‌هایی که نشانه‌های زیر را دارند از درس پیدا کن و در جدول بنویس.

ط	ظ	ق	ح	ع
مناطق وطن	حفظ نظر وظیفه	مناطق قرآن مقدس	محلی بحث حفظ	علاقه موضوع صنعت

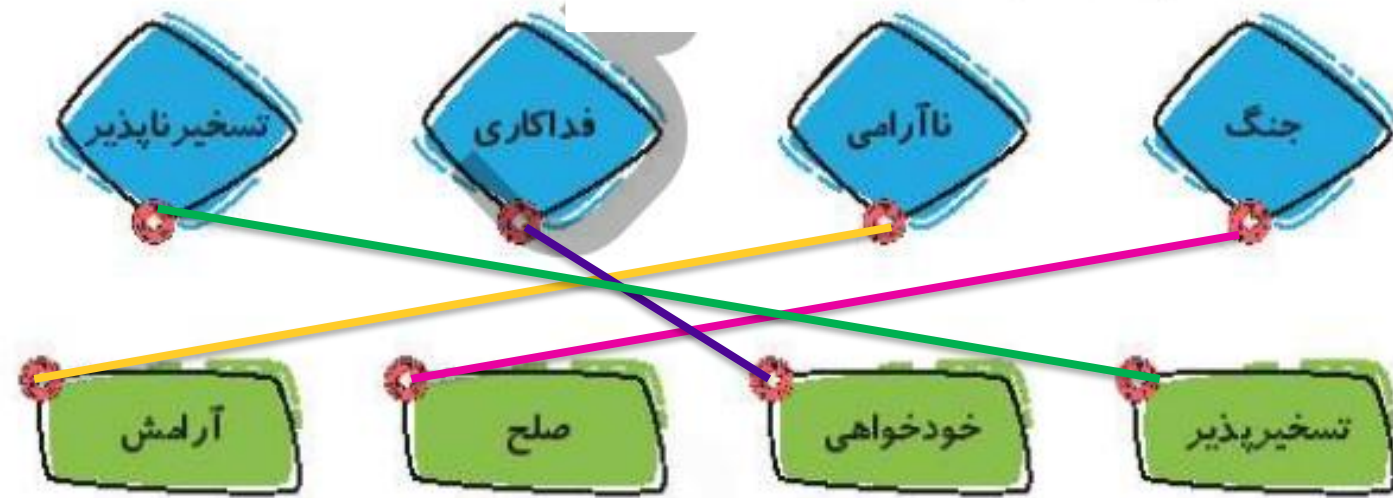


???

تمرین



۱ کلمات مخالف را به هم وصل کن.



???

علوی

۲ درست ☒ و نادرستی ☐ جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.
پارچه می فروشد.

الف: بزاز کسی است که لباس می دوزد. ☐

ب: شهید عباس بلایی در نیروی زمینی خدمت می کرد. ☐

پ: زبان‌های محلی گنجینه‌ای با ارزش هستند. ☒

ت: مرزنشینان، نگهبانان اصلی وطن هستند. ☒



با توجه به کلمات داده شده، جملات زیر را کامل کن. (دو کلمه اضافه است).

معروف - بادقت - مهم - همکاری - مهر - محلی - بااهمیت - میهن - همدلی - خوش حالی - حفظ - عمل - علم و صنعت - مناطق - علاقه

الف: برخی از ما، در مناطق مختلف کشور، به زبان مادری و محلی خود حرف می‌زنیم؛ زبان‌های محلی، گنجینه‌ای با ارزش هستند ولی زبان فارسی، زبان ملی ما ایرانیان است و برای حفظ میهن، بسیار بااهمیت است.

ب: اگر ما، در و صنعت پیشرفت کنیم، میهن ما همه جا و سر بلند می‌شود.

پ: آموزگار که تا آن هنگام، بادقت و علاقه به صحبت‌های بچه‌ها گوش می‌داد، با خوش حالی جلوی کلاس آمد و گفت: بچه‌های عزیز! بسیار مهم است که هر ایرانی، به خوبی به وظیفه‌ی خود عمل کند، تا با همکاری و همدلی، ایرانی آباد داشته باشیم.



۴ پنج شغل پیدا کن که با اضافه کردن ی، بتوانی محل آن شغل، را بسازی.

نجار

بزاز

خیاط

نانوا

قصاب



حالا با یکی از این شغل‌ها و محل کار آن، جمله‌ای بنویس.



۵ فعل مناسب هر جمله را بنویس.

الف: پسرها با هم سلام و احوال پرسی **کردند.**

ب: همگی با هم برای آبادی ایران عزیز فداکاری **می کنیم.**

پ: او کتاب خواندن را دوست **دارد.**

ت: ما مشتاقانه منتظر ورود معلّم **هستیم.**

ث: شما انسان های مهربانی **هستید.**

ج: تو کارهایت را به خوبی انجام **می دهی.**

ج: خانم مدیر وارد مدرسه **شد.**



???

۶ در هر ردیف، حرف آخر کلمه‌ها را کنار هم بگذار و کلمه‌ی جدید را بنویس.

ساحل	←	الف: داس - آوا - صبح - گل
غوطه	←	ب: باغ - آهو - خط - راه
افق	←	پ: رها - شفاف - غرق

۷ کلمه‌های به هم ریخته را مرتب کن و جمله‌ی به دست آمده را بنویس.

ببفتد - اجازه ندادند - خاک - یک وجب - حتی - از - به - دشمن - دست - رزمندگان - میهن

..... رزمندگان اجازه ندادند حتی یک وجب از خاک میهن به دست دشمن ببفتد.



سه نفر از کسانی را که برای سر بلندی ایران تلاش کرده‌اند، پیدا کن و درمورد تلاش آن‌ها توضیح مختصری بنویس.

نام و مشخصات	شرح تلاش
حسن امیدزاده	دانش آموزان را از خطر شعله های آتش نجات داد.
ریزعلی خواجوی	متوجه ریزش کوه شد و جان مسافران قطار را نجات داد.
محمد حسین فهمیده	نارنجک بر کمر بست و زیر تانک دشمن جان خود را فدا کرد.

???

روی نقشه‌ی ایران با یک ستاره محل «خرمشهر» را مشخص کن.

۹



???

علوی

۱۰ کلمات هم معنی را هم رنگ کن.



جدول زیر را با فعل‌های مناسب کامل کن.

۱۱

گذشته	حال	آینده
آباد کردیم.	آباد می‌کنیم.	آباد خواهیم کرد
دفاع کردیم.	دفاع می‌کنیم.	دفاع خواهیم کرد
پرداخت کردیم	پرداخت می‌کنیم	پرداخت خواهیم کرد.
پیشرفت کردیم	پیشرفت می‌کنیم.	پیشرفت خواهیم کرد

???

خودت را یک خلبان فرض نما و خطراتت را برای ما تعریف کن.

۱۲

آموزگار
خانم روش



با توجه به سوالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: کدام یک از گزینه‌ها محل کار نیست؟

(۴) بتایی

(۳) کفش

(۲) قنادی

(۱) خیاطی

ب: کدام گزینه جمله را کامل می‌کند؟ «دانشمندان با آزمایش‌های علمی به نتایج درست»

(۴) رسیده است

(۳) رسید

(۲) می‌رسند

(۱) می‌رسم

پ: کدام گزینه متفاوت است؟

(۴) نظم - منظم

(۳) دلاورانه - شجاعانه

(۲) وظیفه - وظایف

(۱) درس - مدرسه

ت: کدام گزینه با توجه به حکایت «خروس ایرانی، صحیح است؟

(۲) سپاهیان دشمن ایرانیان را شکست دادند.

(۱) سپاهیان دشمن مانند دانه‌های ارزن بودند.

(۴) تعداد نفرات هر دو سپاه برابر بود.

(۳) فرماندهی سپاه دشمن خروسی را آورد.

ث: املاي کدام گزینه صحیح است؟

(۴) حفظ

(۳) مناطق

(۲) باعث

(۱) قرعان

حفظ

مناطق

قرآن

خوانش و پردازش



متن زیر را بخوان و به سؤالات پاسخ بده.

۱۴



???

مادر بزرگ گفت: در زمان جنگ تحمیلی ما هر کاری از دستمان برمی آمد انجام می دادیم غذا و لباس آماده می کردیم مرتب برای اهدای خون می رفتیم و دعاگوی رزمندگان بودیم. جوانان ما خیلی مقاومت کردند و خیلی ها شهید شدند تا توانستند مردم کشور را از دست دشمنان نجات بدهند مادر بزرگ که انگار به آن زمان برگشته بود با نگاهی خیره تصاویر را نظاره می کرد و بی وقفه اشک می ریخت بچه ها انتظار چنین چیزی را نداشتند و نمی دانستند چه باید بکنند. پدر آن ها آرام کرد اطمینان داد که به زودی مادر بزرگ آرام خواهد شد و بهتر است لحظه ای او را تنها نگذارند تا آرامش خود را بازابد.

الف: در متن بالا فعل ها را پیدا کن و دور آن ها با مداد سبز خط بکش.

ب: در متن بالا فاعل ها را پیدا کن و دور آن ها با مداد قرمز خط بکش.

پ: علت اشک های مادر بزرگ چه بود؟

به یاد گذشته افتاده بود.

ت: اگر تو در زمان جنگ حضور داشتی، برای کمک به کشورت چه می کردی؟





پایان